

ضمیمه

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۶۷، دوره هشتم
سال بیستم، ۴ شهریور ماه ۱۳۸۲

نامه خانواده های قربانیان قتل های سیاسی اسامی، زمان فوت و محل دفن عزیزان ما را اعلام نمایید

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران به استحضار می رساند که متن زیر قبلاً به مسئولین ذیربط ارائه شده است ولی از آنجا که پاسخی دریافت نشده است جهت پیگیری به اطلاع شما می رسانیم: تاریخ فوت و محل دفن بسیاری از اعدام شدگان پس از انقلاب اسلامی به ویژه جان باختگان سال ۱۳۶۷ که جنازه هایشان را در گورهای دسته جمعی دفن کردند برای خانواده های داغدارشان مشخص نشده و هیچیک از ارگان های مربوطه در این زمینه پاسخگو نیستند. یکی از مکان هایی که عده ای از دگراندیشان و اعضای احزاب و گروه های سیاسی را در آن به شکل انفرادی یا دسته جمعی دفن کرده اند مزار خاوران جنب قبرستان ارامنه است که با گورستان بهائی ها مشترک بوده و خانواده های داغدار با محدودیت ها و فشارهای عدیده ای روبرو

هستند از جمله:
الف اجازه هیچگونه نشانه گذاری بر خاک مزار را ندارند.

ب گورستان بهائی ها هر روز گسترش می یابد و بر جنازه های عزیزان ما مرده دفن می شود. بسیاری از عزیزان ما را در مکان های دیگری که بر ما معلوم نیست دفن کرده اند. ما بازماندگان و خانواده های داغدار از مسئولین مربوطه مصراانه می خواهیم که:

۱. اسامی، زمان فوت و محل دفن عزیزان ما را اعلام نمایند.
۲. از دفن اموات دیگر بر خاک جان باختگان ما جلوگیری نمایند. چراکه این مکان ها ناخواسته بر ما تحمل گردیده و ما را از آن گریزی نیست. ولی برای تازه در گذشتگان بهائی می توان چاره ای اندیشید و محلی دیگر در اختیارشان گذاشت.
۳. مانع نشانه گذاری و گلکاری در مزار و محل

ادامه در صفحه ۲

فشار افکار عمومی و

مانورهای جنایتکاران حاکم

مسأله قتل زهرا کاظمی، توسط جنایتکاران قوه قضایی و نیروهای امنیتی زیر نظر آنها هر روز ابعاد تازه یی به خود می گیرد و تشدید فشار افکار عمومی در کشور و جهان گرفتاری های زیادی را برای سران رژیم ولایت فقیه پدید آورده است. پس از تلاش سازمانده اصلی این جنایت، یعنی قاضی مرتضوی برای پنهان کردن حقایق با گذشت زمان و بالا گرفتن درگیری بین نهاد های گوناگون، برای سلب مسئولیت از خود، هر روز گوشه های تازه یی از این جنایت افشا می شود و موید این حقیقت است که دستگاه های امنیتی و قضایی رژیم ولایت فقیه ستاد اصلی سازمان دهی سرکوب و جنایت بر ضد دگراندیشان است.

در ادامه افشاگری های صورت گرفته در زمینه عملکرد دادستانی تهران و مأموران امنیتی وابسته به آن سخنان آرمین، نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ششم حائز اهمیت است. آرمین در سخنانی که در مجلس، در نطق پیش از دستور خود کرد در زمینه پرونده رسیدگی به قتل زهرا کاظمی از جمله گفت: «در جریان رسیدگی قضایی به پرونده قتل زهرا کاظمی، علیرغم آنکه مقتول در طول بازداشت خود در اختیار سه ارگان دادستانی، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات بوده است و مطابق گزارش هیات تعیین شده از سوی رییس جمهور ضرب و شتم منتهی به ضربه مغزی می توانسته در هر یک از این سه ارگان صورت گرفته باشد، فقط ۵ تن از پرسنل وزارت اطلاعات، دو زن نگهبان، یک پزشک زندان و دو بازجو بازداشت شدند. در همان زمان عرض کردم کلیه افرادی از این سه ارگان که در مدت بازداشت زهرا کاظمی با متهم ارتباط داشته اند باید مورد بازجویی قرار گیرند. محدود کردن عرصه تحقیق و بازجویی به پرسنل یکی از این سه ارگان امری نگران کننده و موجب انحراف مسیر رسیدگی است و این مسیر به هر نتیجه ای برسد افکار عمومی را قانع نخواهد کرد. علیرغم اعلام این نگرانی ها و هشدارها جریان ادامه یافت تا دو روز قبل دادستانی انقلاب طی اطلاعیه ای از اتهام دو تن از بازجویان وزارت اطلاعات خبر داد. وزارت اطلاعات در واکنش به این اقدام با صدور اطلاعیه ای ضمن تکذیب ادعای دادستانی، از تحقیقات و اسناد و مدارکی دال بر حقیقت ماجرا و تلاش عده ای برای انحراف آن خبر داد.» آرمین سپس در توضیح ضرورت سخنان افشاگرانه اش افزود: «اما اینجانب در نطق قبل و نیز مصاحبه های پس از آن درباره پرونده قتل

زهرا کاظمی به ملت شریف و آگاه ایران وعده کردم در صورتی که جریان رسیدگی به این پرونده به انحراف کشیده شود و به جای کشف واقعیت و بیان حقیقت تلاشها مصرف آن شود عاملان و آمران این فضاخت به حاشیه امن برده شوند و آبرو و مصالح کشور هزینه برخی افراد و مقامات گردد، حقایق را خواهم گفت. آنچه اکنون می گویم نه تحلیل سیاسی است و نه فرضیاتی مبتنی بر حدس و گمان، بلکه مستند است به اطلاعات موثقی که مقامات بلندپایه وزارت اطلاعات در جلسات روز گذشته ارائه داده اند.» به گفته آرمین زهرا کاظمی با مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تهیه عکس از زندگی روزانه مردم وارد ایران می شود. و در روز ۸۲/۴/۲ در مقابل درب زن اوین در حال تهیه عکس از تجمع خانواده بازداشت شدگان، با ضرب و شتم دستگیری می شود. به گفته آرمین زهرا کاظمی «از زمان دستگیری تا انتقال به بیمارستان سینا در ۲۰ دقیقه بامداد روز ۸۲/۴/۴ در اختیار سه ارگان به شرح زیر قرار گرفته است: روز اول در اختیار دادستانی، از روز ۸۲/۴/۳ تا ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۸۲/۴/۵ در اختیار نیروی انتظامی، روز ۸۲/۴/۴ تا مدت ۴ ساعت در اختیار دادستانی، از ساعت ۲۱ و ۴۵ دقیقه روز ۸۲/۴/۵ در اختیار وزارت اطلاعات» بوده است. آرمین سپس در توضیح شکنجه و چگونگی قتل زهرا کاظمی می افزاید: «وزارت اطلاعات که احتمال جاسوسی را در مورد متهم بسیار ضعیف می داند اعلام میکند ضرورتی به دستگیری نیست. متهم به محل اقامت خود در تهران راهنمایی شود بازجویی در محل اقامت از وی انجام خواهد شد. علیرغم نظر کارشناسی وزارت اطلاعات، دادستان متهم را به اطلاعات نیروی انتظامی تحویل میدهد. مشاور حقوقی وزارت پس از اطلاع از این امر به دادستانی اعتراض میکند که متهمان به جاسوسی فقط باید به ضدجاسوسی وزارت تحویل داده شوند و نه هیچ ارگان دیگر. حال که وی دستگیر شده باید به اطلاعات تحویل شود. لذا متهم ساعت ۵ روز ۸۲/۴/۵ به دادستانی عودت و ساعت ۴۵/۲۱ همان روز به وزارت اطلاعات تحویل می شود. در تحقیقات وزارت اطلاعات مشخص میشود متهم در دو مرحله مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته است. از آغاز دستگیری و در داخل زندان به دلیل مقاومت در برابر ماموران و عدم تحویل وسایل خود از ناحیه راست صورت و سر مورد ضرب و شتم قرار میگیرد. حالت تعادل خود را از دست می دهد بفاصله به بند ۲۴۰ منتقل میشود. بنا به گزارش وزارت اطلاعات به شهادت شهود متعدد به هنگام انتقال به بند در این مرحله متهم کاملاً بیحال بود، به طوریکه ماموران زندان او را کشتان کشتان و با گرفتن دستان و پاها به بند مذکور منتقل می کنند. شهادت شهود، نگهبانان و ماموران موجود است. این ضربات به حدی نگران کننده بوده که روز بعد وقتی متهم تحویل نیروی انتظامی می شود ضارب که هویت وی کاملاً شناسایی شده و پرسنل یکی از سازمانهای تحت پوشش قوه قضاییه است با نیروی انتظامی تماس و جویای حال وی می شود. پس از انتقال به بند، متهم از

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه فشار افکار عمومی و مانورهای ...

ساعت ۲۲ و ۲۵ دقیقه شب تا ۲ و ۳۰ دقیقه بامداد روز ۳/۴/۸۲ توسط قاضی مرتضوی، معاون وی قاضی ارجمندی و یک نفر دیگر که برای وزارت اطلاعات شناخته نشده مورد بازجویی قرار می گیرد. از چگونگی این بازجویی هیچ اطلاعی در دست نیست. حضور غیرمتعارف دادستان عمومی و انقلاب تهران و معاون وی به مدت ۴ ساعت و ۳۰ دقیقه در بازجویی متهم حکایت از انگیزه، حساسیت و علاقه شدید دادستان به این پرونده دارد. متهم پس از تحویل به نیروی انتظامی در روز سوم تیرماه مورد بازجویی قرار می گیرد و مطابق گزارش مکتوب نیروی انتظامی اعلام می کند در دادستانی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و از ناحیه بینی، انگشت دست و انگشت پا دچار شکستگی شده است. در گزارش اولیه بیمارستان به هنگام ورود متهم، آثار ضرب و جرح در بدن بیمار دیده شده است. پس از انتقال متهم به بیمارستان به علت ضربه مغزی، دادستانی تلاش های فراوانی برای پنهان نگاه داشتن ماجرا به کار بسته است... قاضی مرتضوی پیش از اعلام نظر کمیته تحقیق منتخب رییس جمهوری گفته است: زهرا کاظمی سخته مغزی کرده است. اگر به چیز دیگری هم رسیدند به گردن اطلاعات انداخته خواهد شد و از مقامات این وزارت می خواهد اعلام کنند متهم جاسوس و خرابکار بوده است. و نکته جالب تر در زمینه چگونگی عملکرد جنایتکاران حاکم بر دستگاه قضایی کشور اینکه به گفته آرمین بر اساس تحقیقات وزارت، شهود و ناظران ماجرا شناسایی می شوند، مورد سؤال قرار می گیرند، مراحل ضرب و شتم، چگونگی آن و ضارب شناسایی می شوند، شهود نزد قاضی شهادت می دهند. بلافاصله روند تغییر می کند، قاضی دستور توقف و عدم ادامه تحقیق را صادر می کند. شهود به مدت دو روز جمع آوری و در قرنطینه قرار داده می شوند. توجیه می شوند تا شهادت را پس بگیرند، آنها را قانع می کنند، فیلم از آنها می گیرند، سپس نزد قاضی هدایت می شوند تا اعلام کنند شهادتشان دروغ بوده است... قاضی مرتضوی با بازداشت شدگان ملاقات و ضمن تعریف از آنها به عنوان افرادی حزب اللهی و معتقد به نظام و رهبری از ایشان می خواهد که اعلام کنند زهرا کاظمی جاسوس بوده است. نگهبانان زندان که ناظر و شاهد موقوف بوده اند در این مرحله به مکانهای دیگر منتقل می شوند و لوح کشیک دفاتر بند مخدوش و دستخورده است. به گفته مقامات وزارت اطلاعات، آیت الله شاهرودی پس از اطلاع از نتیجه تحقیقات وزارت اطلاعات می فرمایند صلاح نیست قوه قضاییه زیر سؤال برود. باز همین منابع از ایشان نقل می کنند که فرموده اند ما و شما هر دو نظام هستیم، چه فرقی می کند پرسنل کدام یک متهم شوند؟

این است ابعاد فساد و جنایت نهفته در درون دستگاه های امنیتی و قضایی رژیم ولایت فقیه. سیاست ها و جنایاتی از این دست نه تنها امر تازه بی نیست بلکه سال هاست با حدت و شدت تمام در جریان بوده است. از کشتار جمعی هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷ تا قتل های زنجیره بی و قتل زهرا کاظمی تا به امروز نه تنها هیچ یک از آمران و سازمان دهندگان این جنایات هولناک محاکمه و محکوم نشده اند بلکه همان طور که جریان محاکمه نمایی قتل های زنجیره بی نشان داده شد رژیم برای حفظ خود و دفاع از آمران اصلی که کسی جز سردمداران اصلی حکومت نیستند همواره با قربانی کردن چند عنصر دست دوم و سوم تلاش کرده است تا حقایق امر را پنهان کند.

سخنان آرمین نه تنها پرده از مسایل عمده پشت پرده قتل زهرا کاظمی بر می دارد بلکه روشن می کند که سران رژیم همچون شاهرودی و دیگران آگاهانه و با تمام توان در راه دفاع از جنایتکاران کوشیده و خواهند کوشید. گزارش آرمین همچنین روشن می کند که دستگاه قضایی رژیم ولایت فقیه بر خلاف عرف بین المللی نه یک دستگاه دادستانی و فراهم کننده تحقق عدالت بلکه دستگاه ضدانسانی بی است که نقش عمده آن سازمان دهی سرکوب، ارباب و جنایت بر ضد دگراندیشان میهن ماست. تا انحلال این دستگاه و محاکمه علنی جنایتکارانی همچون قاضی مرتضوی باید انتظار داشت که این سیاست ها ادامه یابد.

ادامه نامه خانواده های قتل های سیاسی ..

حاکم سپاری عزیزان ما نشوند. رونوشت به: کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارشگران محترم حقوق بشر سازمان ملل متحد

سیاست تعدیل اقتصادی و از بین رفتن ۱۵۰

هزار فرصت شغلی

بر اساس گزارش خبرگزاری کار ایران سهیلا جلودار زاده نماینده مجلس، در تلاش برای توجیه سیاست های مخرب «تعدیل اقتصادی» که تاکنون منجر به بیکاری صدها هزار کارگر ایرانی شده است از جمله گفت: «هیچ کارفرمایی نمی تواند کارگر خود را مجبور به بازخریدی کند. اختیاراتی که در قانون بازسازی و نوسازی صنایع نساجی به کارفرمایان داده شده، خودسرانه و یک طرفه نیست و کمیته خاصی ضرورت تعدیل کارگران را بررسی و اعلام نظر می کند تا نیروهای تعدیلی تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گیرند.» وی در ادامه در توضیح شکست این سیاست افزود: «به دلیل عدم اقتدار نهادهای کنترل کننده روابط کار، شاهد هستیم که روند تهدید به اخراج کارگران روز به روز تشدید می شود و شرایطی فراهم می شود که کارگران مجبور به بازخریدی می شوند. به اعتقاد من وزارت کار در این زمینه بسیار ضعیف عمل می کند که بخاطر این مساله، گاه بر خوردهای غیر انسانی با کارگران صورت می گیرد.» جلودارزاده در توضیح چگونگی اجرای سیاست تعدیل اقتصادی توسط مدیران مراکز تولیدی از جمله اشاره کرد که برخی مدیران با رکود کشاندن و اعلام ورشکستگی واحد تولیدی به بازخرید کارگران، دست می زنند. وی افزود: «طی سال های اخیر به جای ایجاد فرصت های شغلی جدید فرصت های موجود را از دست داده ایم، بطوری که ظرف چند ماه اخیر ۱۵۰ هزار فرصت شغلی از بین رفته است.» نکته جالب دیگر در سخنان جلودارزاده اعتراف به وضعیت بد اقتصادی کشور بود. وی در دفاع از سرمایه داران در زمینه اعمال سیاست تعدیل اقتصادی، در پایان سخنان خود گفت: «از طرفی برای من شرایط کارفرمایان کاملاً قابل درک می باشد. در حال حاضر فعالیت های اقتصادی - تولیدی سود آور نیست و انسان باید مجنون باشد که در تولید سرمایه گذاری کند و یا اینکه عاشق کشورش باشد و بخواهد کاری انجام دهد.» وی تأکید کرد: «ما باید سیاست ها را به نفع تولید اصلاح کنیم اکنون سرمایه گذاری در بانک ها به صورت سپرده بسیار سودآورتر از تولید است و این ناشی از یک اقتصاد کاملاً بیمار می باشد.»

بیماری اقتصادی کشور مسأله تازه بی نیست. اتخاذ سیاست تعدیل اقتصادی در دوران هاشمی رفسنجانی و حمایت از اقتصاد دلالی به جای حمایت و سرمایه گذاری در امر تولید داخلی و ادامه این سیاست ها توسط دولت خاتمی علل پیدایش چنین شرایطی است که در آن روز به روز بر لشکر عظیم بیکاران کشور افزوده می شود و فقر و محرومیت در ابعاد مدهش تری گسترش می یابد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر و نه نام اضافی

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 667
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

26 August 2003

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN

نام

e.V.

790020580

شماره حساب